



ISSN:2588-7033

Journal of Historical Study of War

<http://hsow.araku.ac.ir>



A Study of the challenges of the security force of Qainat during the late Qajar period (1335-1340 AH)

Ali Najafzadeh ^{a*}, Fazlallah Boraghi ^b

^a Assistant Professor of History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran

^b Assistant Professor of History, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame noor University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Security force, Qainat, Qajar period, military forces, Eastern Iran

Received: 25 February 2026;
Accepted: 12 September 2026

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2026.2086606.1670

ABSTRACT

Shaukat al-Mulk II, the ruler of Qainat, in 1335 AH/1295 SH, formed two forces—the Nazmiyeh and the Amniyeh (the security force)—in addition to the army. The security force, whose function was similar to that of the gendarmerie, was intended to provide security outside the city and included cavalry and camel-mounted troops, which played a very important role in the security of the region. The government of Qainat made great efforts to recruit manpower for the security force. Numerous correspondences reveal, in addition to the problems of supplying personnel, the challenges facing the activities of the security force across a vast area from Khaf to Sistan. This is a historical study; data were collected through library-based research from documents in the Library of Astan Quds Razavi and presented in a descriptive-analytical manner in order to answer the following research questions: What challenges did the security force of Qainat face in recruiting personnel? What challenges did the security force of Qainat face after its formation? The findings show that the formation of the security force of Qainat faced numerous challenges due to a shortage of camels and a lack of qualified personnel, which, contrary to the initial plan, led to many changes in its number and composition. Most of its recruits were from the Bahlouli, Niazabadi, and Brahui Baloch groups, as well as scattered villagers. After its establishment, this force faced numerous financial problems that reduced its effectiveness.

* Corresponding author.
E-mail address: anajaf@birjand.ac.ir





بررسی چالش‌های امنیه قاینات در اواخر دوره قاجار (۱۳۳۵-۱۳۴۰ق)

علی نجف زاده^{الف}، فضل الله براقی^ب^{الف} استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران، anajaf@birjand.ac.ir^ب استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، fboraghi@pnu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
امنیه، قاینات، دوره قاجار، نیروی‌های نظامی، شرق ایران	شوکت‌الملک دوم، حاکم قاینات، در سال ۱۳۳۵ق/۱۲۹۵ش. علاوه بر نیروی قشون، دو نیروی نظامیه و امنیه را تشکیل داد. نیروی امنیه با کارکرد مشابه ژاندارمری برای تأمین امنیت خارج از شهر در نظر گرفته شد و شامل نیروهای سواره و جمازه بود که نقش بسیار مهمی بر امنیت منطقه داشت. حکومت قاینات تلاش زیادی برای تأمین نیروی امنیه کرد. مکاتبات متعدد علاوه بر مشکلات تأمین نیرو چالش‌های فعالیت امنیه را در گستره وسیعی از خوف تا سیستان نشان می‌دهد. پژوهش حاضر از نوع تاریخی است که گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای از اسناد کتابخانه آستان قدس انجام گرفته و به شکل توصیفی-تحلیلی ارائه شده است تا به سئوالات پژوهش پاسخ داد: امنیه قاینات در استخدام نیرو چه چالش‌هایی داشت و امنیه قاینات پس از تشکیل با چه چالش‌هایی روبرو شد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تشکیل نیروی امنیه قاینات به خاطر کمبود شتر و فقدان نیروی شایسته چالش‌های متعددی داشت که برخلاف طرح اولیه تعداد و ترکیب آن با تغییرات زیادی همراه شد. بیشتر این نیروها از بهلولی‌ها، نیازآبادی‌ها، بلوچ‌های براهویی و روستاییان پراکنده بودند. این نیرو پس از تأسیس با مشکلات مالی متعددی مواجه شد که کارآیی آنها را کاهش می‌داد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

پس از انقلاب مشروطه اصلاحاتی در ساختار نیروهای امنیتی ایران صورت گرفت. از یک سو نظامیه برای تأمین امنیت داخلی شهرها شکل گرفت. از سوی دیگر ژاندارمری به عنوان یک نیروی مهم برای امنیت بیرون از شهرها توسط سوئدی‌ها به وجود آمد. این نیرو در همه مناطق ایران فعالیت نمی‌کرد و قاینات در شرق ایران نیروی ژاندارمری نداشت. بلکه نظامیه و قشون قدرت بیشتری در آنجا داشتند. ژاندارمری تحت امر سوئدی‌ها نیز همزمان با جنگ جهانی اول تغییر نام داد. طبق گزارش ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ق/۱۷ فروردین ۱۲۹۵ش. از طرف سپهسالار اعظم، رئیس الوزراء، به وزارت داخله اعلام شد که از آن تاریخ اسم ژاندارمری تبدیل به امنیه گردید و به تمام وزارتخانه‌ها و دوایر دولتی اطلاع داده شد که از این به بعد اداره مزبور را به اسم امنیه خطاب نمایند (عصر جدید، شماره ۷۷، سال دوم، ۲). این تغییر و تبدیل زمانی اتفاق افتاد که محمدابراهیم خان شوکت‌الملک دوم، حاکم قاینات، در پی کشمکش با رقبای خانوادگی‌اش از حکومت خلع و عازم تهران شد.

یک سال پس از تغییر نام ژاندارمری به امنیه شرایط سیاسی در قاینات تغییر کرد و شوکت‌الملک دوم، در سال ۱۳۳۵ق. دوباره به حکومت قاینات و سیستان منصوب شد. او در دوره جدید حکومتش، برای بازگرداندن امنیت داخلی دست به اصلاح ساختارهای نظامی و امنیتی زد. نیروهای پیاده، سواره و جمازه در گذشته برای تأمین امنیت، جلوگیری از تهاجم سارقین بلوچ و افغان و همکاری

با مأموران مالیه در جمع‌آوری مالیات فعالیت می‌کردند، ولی چندان کارآمد نبودند. شوکت‌الملک دوم در این دوره از حکومتش ابتدا تشکیل مجدد نیروی پلیس را که از زمان قتل میرزا ابراهیم خان، رئیس اداره مالیه، منحل شده بود (نجف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۶)، پی‌گیری نمود. درگیری نیروهای شوکت‌الملک دوم با نیروی نظمیه بیرجند تحت امر رئیس اداره مالیه، نشان داد حاکم قاینات حضور نیروی نظامی خارج از نفوذش را برنمی‌تابد.

شوکت‌الملک دوم این بار با ذکر ضرورت‌های تشکیل نیروی نظامی در ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ق. ۱۷/ بهمن ۱۲۹۵ش. تقاضای اجازه تشکیل نظمیه برای بیرجند کرد و از ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ق. ۲۴/ فروردین ۱۲۹۶ش. شروع به استخدام نیرو کرد (نجف‌زاده و الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۴۵). اگرچه نظمیه، علاوه بر شهر، به صورت محدود امنیت در مزارع اطراف شهر را برقرار می‌کرد، حوزه فعالیت آن محدود بود و نمی‌توانست مناطق وسیع قاینات و نواحی دورتر نظیر زیرکوه، حاشیه کویر لوت و سرحدات مرزی را تحت پوشش قرار دهد. از سوی دیگر نظمیه نیرویی پیاده نظام بود و نمی‌توانست در مناطق جغرافیای دورتر عملیاتی انجام دهد. به همین جهت حاکم قاینات متوجه ضرورت تشکیل نیروی امنیه برای گسترده جغرافیایی وسیع‌تر و نیرویی متناسب با شرایط اقلیمی متفاوت شد؛ اقدامی که بدون چالش و مشکل نبود. این پژوهش تشکیل و فعالیت نیروی امنیه قاینات را در سال‌های ۱۳۳۵ق.-۱۳۴۰ق. / ۱۲۹۵ش. ۱۳۰۱ش. و چالش‌های آن را بررسی می‌کند تا به این سؤال پاسخ دهد که امنیه قاینات در استخدام نیرو و ادامه فعالیت با چه چالش‌هایی مواجه بود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های تاریخی است که جمع‌آوری اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای از اسناد منتشر نشده آستان قدس انجام گرفته و پس از طبقه‌بندی به شیوه توصیفی-تحلیلی ارائه شده است تا فضای روشنی از نحوه تشکیل نیروی امنیه و مشکلات آن در قاینات اواخر دوره قاجار ارائه شود.

پیشینه پژوهش

درباره فعالیت نظامی و انتظامی در قاینات دوره قاجار تاکنون پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است ولی هر کدام بخشی از ساختار نظامی منطقه را بررسی کرده‌اند. نجف‌زاده و الهی‌زاده (۱۳۹۳) در کتاب *تاریخ نظمیه بیرجند در دوره قاجار* به بررسی علل تشکیل نظمیه در این شهر پرداخته‌اند و امنیه را مورد مطالعه قرار نداده‌اند.

آذری خاکستر (۱۳۹۲) در مقاله «جمازه‌سوار قاینی» به وضعیت امنیت در قاینات طی سال‌های پس از مشروطه و ضرورت تشکیل قشون در سال ۱۳۳۰ق. اشاره کرده و بطور خاص نقش جمازه‌سواران و علل توجه بیشتر به آنها را بررسی کرده و اسنادی درباره جمازه‌سواران بازخوانی نموده است، اسنادی که مربوط به قبل از تشکیل امنیه در سال ۱۳۳۵ق. است.

علیزاده بیرجندی و الهام ملک‌زاده (۱۳۹۲) نیز در کتاب *نظم و امنیت در خراسان جنوبی برپایه گزارش‌های نظمیه در سده‌ی اخیر* وضعیت امنیت در قاینات را براساس گزارش‌های نظمیه در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ش. و ۱۳۲۱ش. تا ۱۳۲۳ش. بررسی کرده و اسناد آن‌را بازخوانی نموده‌اند و از سال‌های تشکیل امنیه در اواخر دوره قاجار سندی ارائه نداده‌اند.

نجف‌زاده (۱۳۹۰) همچنین در مقاله «نقش و جایگاه طوایف نظامی قاینات در دوره قاجار» به نقش طوایف در اردوها یا ایلجار نه، معافیت برخی طوایف، و خدمت آنان به بیگانگان اشاره کرده و تنها در بحث مختصری به جایگاه طوایف در امنیه اشاره کرده ولی

به مشکلات و چالش های آنها اشاره نکرده است.

خانی زاده (۱۳۸۸) نیز در مقاله «فوج پیاده نظام قاینات در سال ۱۲۸۲ هجری قمری» نیروهای نظامی فوج پیاده در دوره ناصرالدین شاه را از لحاظ ساختار، نحوه استخدام نیرو، تسلیحات، پوشاک و حقوق بررسی کرده است. بنابراین تاکنون درباره تشکیل امنیت قاینات پژوهشی مستقل صورت نگرفته است.

۱. تشکیل امنیت قاینات

محمدابراهیم خان شوکت الملک دوم پس از خلع برادرش امیرعلی اکبر خان حشمت الملک از حکومت سیستان در سال ۱۳۳۰ ق.، حاکم قاینات و سیستان شد ولی در سومین سال حکومتش جنگ اول جهانی به وقوع پیوست که یکی از تبعاتش افزایش نفوذ روس ها در قاینات و عزل او از قدرت و جایگزینی برادرزاده اش امیر معصوم خان حسام الدوله در سال ۱۳۳۴ ق. بود (شاهدی، ۱۳۷۷، ۹۹-۱۰۰). شوکت الملک دوم به مدت یک سال در تهران به سر برد ولی در این مدت با اوج گرفتن ناامنی و افزایش سرقت ها در سیستان و قاینات و با فشار انگلستان بر حکومت مرکزی زمینه عزل حسام الدوله و بازگشت مجدد شوکت الملک دوم به قدرت فراهم شد (همان، ۱۱۴). او بعد از بازگشت به قدرت و مشاهده ناامنی قاینات به خاطر حملات افغان ها و بلوچ ها درباره ضرورت تشکیل نیروی امنیت قاینات در ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۵ ق. ۲۵ بهمن ۱۲۹۵ ش. با وزارت داخله مکاتبه کرد و اعلام نمود امنیت قاینات تحت انتظام صحیحی نبوده و باید منظم شود (ساکماق: ۲۷۰۶/۱). او پس از فراخوان نیرو برای تشکیل امنیت قاینات و سیستان در سال ۱۳۳۵ ق. ۱۲۹۵ ش. شاهزاده محمدتقی میرزا پسر مرحوم شاهزاده معتضدالدوله را به عنوان رئیس این نیروی نظامی منصوب کرد. یکی از علل این انتصاب سابقه فعالیت نظامی، ریاست نظمیه بیرجند و مفتشی قشون قائنات و سیستان بود که هر دو مأموریت را به خوبی انجام داده بود (ساکماق: ۷۰۷۹۹/۱).

شاهزاده محمدتقی میرزا پس از انتصاب به عنوان رئیس امنیت قاینات و سیستان، میرزا عبدالله خان پسر دکتر محمود خان کسروی را که مدت ها در اداره ژاندارمری خدمت کرده و جوان قابل بود، به عنوان معاون اداره امنیت پیشنهاد داد که با نگاهی مثبت تصویب شد (همان: ۷۸۰۶/۵۶). مکاتبات متعددی که حاکم قاینات و سیستان در سال ۱۳۳۵ ق. / ۱۲۹۵ ش. برای تشکیل نیروی امنیت انجام داد ظرفیت های نظامی منطقه را از نگاه حکومت محلی نشان می دهد. در این مکاتبات به دو ترکیب روستایی و عشایری و نیروها به سواره و جمازه تقسیم شده است. حاکم قاینات طی نامه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۳۵ ق. / ۲۶ دی ۱۲۹۵ ش. خطاب به نایب الحکومه ها و کدخداهای طوایف قاینات برای هر کدام از آنها تعدادی نیروهای امنیت مشخص کرد (همان: ۷۸۰۸/۸). این نیروها از لحاظ خاستگاه و شیوه زندگی به دو بخش عشایری و روستانشین تقسیم می شدند. تعداد ۱۵۳ نفر نیروی پیشنهادی از لحاظ شیوه خدمت شامل دو گروه جمازه و سواره می شدند. حاکم قاینات در نامه هایش برای فراخوان نیرو، ویژگی های عمومی آنها را ذکر کرده است. در نامه به نایب الحکومه در میان به پرداخت حقوق و تأمین لباس و ارتقاء رتبه اشاره کرده است. در اعلان عمومی و فراخوان جذب نیرو ذکر شده هر کس مایل باشد باید فوری اسب تهیه کرده عازم بیرجند شود. این نامه به سواره هایی که قبل از تشکیل امنیت خدمات نظامی انجام داده بودند، اشاره دارد که حکومت محلی به آنها حقوق و لباس می داد. حاکم قاینات در نامه به نایب الحکومه ها به انتخاب اشخاص جوان، کارکن، بی عمل (غیرمعتاد) اشاره کرده است (همان، ۷۸۰۶/۴۴).

مکاتبات تدارک نیرو برای امنیت مشکلات محلی برای تهیه جمازه و سواره را نشان می دهد. مطالعه اعلامیه فراخوان نیروی امنیت و تطبیق آن با لیست نهایی اعضای آن اداره پس از گذشت دو سال، ابعاد این مشکلات را مشخص می سازد. هر منطقه جغرافیایی بنا به

شرایط محلی و آب و هوایی مشکلات خاص خود را داشت که در اسناد به آن اشاره شده است. از سوی دیگر، استفاده از جمار از قاینات مسوق به سابقه بود. در گذشته حاکم قاینات از جمارها برای مقابله به غارتگری بلوچ‌ها به این منطقه استفاده کرده بود. به‌ویژه در سال ۱۳۳۳ ق. / ۱۲۹۳ ق. به خاطر مسائل اقتصادی تعداد جمارهای قاینات افزایش یافته بود (آذری خاکستر، ۱۳۹۲: ۱۱۷). از سوی دیگر، از سال ۱۳۳۲ ق. / ۱۲۹۳ ش. جمارها برای کمک به اداره مالیه قاینات در مسیر کاروانی فدشک و بیابان لوط به سوی کرمان استفاده شد (همان: ۲۱۲-۱۲۰).

۲. جایگاه جماره سواران در امنیه قاینات

مناطق که شتر پرورش می‌دادند باید جماره در اختیار امنیه قرار می‌دادند. مکاتبات امنیه با مناطق نهبندان، خور، سرچاه و فدشک نشان می‌دهد آن مناطق باید جماره سوار تحویل امنیه می‌دادند.

الف. جماره‌های نهبندان

نهبندان از مناطق مهم جنوب قاینات و نزدیک به سیستان بود که باید ۲۰ جماره برای امنیه تأمین می‌کرد، زیرا از مناطق پرورش‌دهنده شتر بود. ولی طبق نامه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ ق. / ۶ بهمن ۱۲۹۶ ش. به میرزا احمدعلی، نایب‌الحکومه نهبندان، تنها ۵ نفر از آنجا حاضر شده بودند. در این مرحله از جمارهای سابق نیز استفاده می‌شد و از ۴ نفر جماره اخراجی سابق ۱ نفر به کار گرفته شد و ۳ نفر بازگردانده شدند (ساکماق: ۷۸۰۶/۱۷). از آنجا که در محدوده نهبندان طوایفی نظیر کوه بهاران و طاهری نیز زندگی می‌کردند، تعداد جماره شامل اعضای این طوایف نیز می‌شد. شوکت‌الملک دوم ضمن تأکید بر تهیه و ارسال هرچه زودتر این تعداد نیرو به کمک گرفتن از طوایف اشاره کرده است (همان).

تأمین نیروهای داوطلب و انتخابی نهبندان برای امنیه بیرجند ۱ ماه طول کشید. بطوری که تا ۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۵ ق. / ۵ اسفند ۱۲۹۵ ش. تنها لیست ۱۳ نفری جماره از اهالی نه دریافت شد. برخی از این نیروها از لحاظ توان نظامی چندان قابلیت نداشتند. ۲ نفر از آنها خیلی بی‌مصرف بودند و جزو اسامی ارسالی نیز نبودند. بالاخره به‌خاطر احتیاج پسر محمدرضا چون جوان و تقریباً هجده ساله بود، نگهداشته شد ولی محمدعلی را که تریاکی بود، مرخص گردید (همان: ۷۸۰۶/۴۵).

افراد نهی عضو امنیه قاینات در سال ۱۳۳۶ ق. / ۱۲۹۷ ش. ۱۲ نفر جماره ساده بودند که هرکدام ماهیانه ۷۰ قران حقوق می‌گرفتند. یکی از آنها بعد از سه سال توانست ارتقا بگیرند. رئیس امنیه قاینات در ۸ رجب ۱۳۳۷ ق. / ۱۹ فروردین ۱۲۹۸ ش. درباره ارتقاء درجه پسر حسینعلی اعلام کرد چون برای قسمت امنیه نهبندان یک نفر وکیل لازم است وی را ارتقاء درجه دهند تا اسباب امیدواری او و پدرش شود. پیشنهادی که مورد موافقت قرار گرفت و ضمن تصدیق لیاقت، به درجه وکیلی ارتقا یافت (همان: ۹۴۳۸/۱).

ب. جماره‌های خور

خور یکی دیگر از مناطق کویری جنوب غرب قاینات بود که اهالی آن باید بخشی از نیروهای امنیه قاینات را تأمین می‌کردند. طبق نامه نوشته شده به کربلانی علی بیگ، نایب خور، اهالی آنجا باید ۲۰ نفر جماره تدارک می‌دیدند (همان: ۷۸۰۶/۱۲). ولی تأمین نیرو در خور مشکلات متعددی داشت که برخی از آنها مشترک با سایر نقاط بود. مهمترین مشکل تعداد زیاد سهمیه برای منطقه‌ای بود که از نظر مردم تأمین آن غیرممکن بود. طبق عریضه نایب خور ۵ مرد کاری در خور بودند که در دعوای مرحوم کربلانی خدابخش بیگ و غیره کشته شدند و چند نفر باقی مانده نیز فقیر بودند. به همین جهت او تقاضای معافیت از خدمت نظامی امنیه کرد، ولی

حکومت قاینات بدون توجه به محتوای این عریضه تأکید نمود باید ۲۰ نفر جمازه، صحیح کارگن و جوان، از اهالی خور انتخاب و فوری روانه بیرجند شوند. شوکت‌الملک دوم بر تصمیمش مصمم بود و در نامه‌ای آمرانه تأکید کرد «لزوماً می‌نویسد که بدون عذر ۲۰ نفر انتخاب نموده روانه دارید» (همان: ۷۸۰۶/۳۱). حکومت علت این شدت عمل را چنین تشریح کرد که گرفتن جمازه و دادن حقوق و لباس به جمازه‌ها همه محض امنیت و راحتی اهالی است تا دچار مخاطرات عظیم نشوند و اموال‌شان به سرقت نرود. او با این استدلال بر ارسال جمازه بدون عذر و بهانه تأکید کرد (همان). با این تأکیدها، نایب خور تعدادی جمازه آماده و روانه بیرجند کرد که ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ ق. / ۲ اسفند ۱۲۹۵ ش. به آنجا رسیدند.

مشکل دیگر جمازه‌های خور وضعیت نه چندان مطلوب آنان بود. ۶ نفر از آنها بی‌مصرف و تریاکی بودند. به همین جهت برخی از آنها بازگردانده شدند و به نایب‌الحکومه خور تأکید شد فوری عوض آنها از اشخاص کارگن و جوان انتخاب روانه کند (همان: ۷۸۰۶/۴۴). علاوه بر این جمازه‌های خور از افرادی پیر، ضعیف و بی‌مصرف انتخاب شده بودند و تنها ۲ نفر از آنها قابلیت نظامی داشتند.

مشکل دیگر اهالی خور سوءاستفاده در هنگام نیروگیری بود. نایب خور به دریافت وجه و رشوه از برخی افراد برای عدم بکارگیری آنها به عنوان جماز متهم شد. او از مردان قابل وجه می‌گرفت و آنها را رها می‌کرد. حاکم قاینات جهت اثبات این مدعا رونوشتی از گزارش دریافتی را برایش فرستاد و تأکید کرد اگر وجهی از اهالی گرفته شده به صاحبانش بازگرداند و رسید آن را به بیرجند بفرستد. در پایان به او هشدار داده شد من بعد اگر معلوم شود دیناری از کسی گرفته دو برابر آن جریمه و به سختی تنبیه خواهد شد. اینگونه سوءاستفاده‌ها باعث می‌شد چند نفر جمازه از یک خانواده انتخاب شوند. امری که حاکم قاینات آن را منافی با اصول دانست و به آن واکنش نشان داد (همان: ۷۸۰۶/۴۹).

تأمین شتر برای جمازه‌ها مشکل دیگر اهالی خور بود. در نامه ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۵ ق. / ۱۵ دی ۱۲۹۵ ش. علاوه بر اشاره به پس فرستادن ۲ نفر جمازه قید شده لازم است ۱۳ نفر شتر جماز خور فوری به بیرجند ارسال شوند تا به نقاط لازم اعزام گردند. تأکید بر ارسال شتر از این جهت حائز اهمیت بود که ممکن نبود به جمازه‌های بدون شتر ماموریتی محول کرد. نحوه تأمین شتر توسط جمازها نیز بسیار مهم بود. طبق این نامه اشخاصی که جمازه می‌شدند باید شتر را خودشان تهیه می‌کردند و ربطی به سایرین نداشت، زیرا به آنها حقوق داده می‌شد (همان: ۷۸۰۶/۵۲).

با وجود هشدارهای مکرر مبنی بر سلامت جسمی جمازه‌ها، نایب‌الحکومه خور همچنان افراد فاقد صلاحیت به بیرجند می‌فرستاد که حاکم قاینات نیز افراد تریاکی و بی‌مصرفی را پس می‌فرستاد و درخواست عوض و جایگزین برای آنها می‌کرد (همان: ۷۸۰۶/۵۴). با این مکاتباتی که درباره ناکارآمدی جمازه‌های خور نوشته شده بعید به نظر می‌رسد جمازه‌ای از آنجا در ترکیب امنیت قرار گرفته باشد، زیرا در لیست حقوق سال ۱۳۳۶ ق. / ۱۲۹۷ ش. اشاره‌ای به جمازه‌های خور نشده است.

پ. جمازه‌های سرچاه

سرچاه یکی از مناطق جنوبی قاینات بود که در مسیر پرتدد راه‌های تجاری منتهی به کرمان و همچنین در مسیر تهاجم بلوچ‌ها قرار داشت. به خاطر این موقعیت جغرافیایی، علاوه بر بومیان سرچاه تعدادی از نیروهای امنیت قاینات متشکل از بلوچ‌ها، در آنجا مستقر بودند. طبق نامه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۵ ق. / ۲۶ دی ۱۲۹۵ ش. به غلامحسین خان، نایب‌الحکومه سرچاه، تعداد ۲۰ نفر جمازه از سرچاه و توابع آن شامل برمنج، همند و همنج، تعیین شده بود. تأمین این تعداد نیرو از سرچاه مشکلاتی داشت که بیشتر از موقعیت جغرافیایی آنجا ناشی می‌شد. بخاطر موقعیت ارتباطی بسیاری از شتردارهای محلی در زمینه حمل و نقل فعالیت می‌کردند.

غلامحسین خان به این مساله اشاره کرد که شتردارهای سرچاه به خبیص کرمان رفته‌اند، ولی حاکم قاینات در پاسخ، ضمن بیان ضرورت تأمین نیرو تأکید کرد به محض رسیدن شترداران آنان را به بیرجند اعزام کند. همچنین تأکید شد در این موقع عذر قبول نمی‌شود و باید جمازه کارگن جهت امنیه انتخاب شود. انتخاب جوانان صحیح و کاری که هر کدام مالک یک شتر باشند، ضروری بود. با این حال نایب‌الحکومه سرچاه در ارسال نیروی امنیه تعلل می‌کرد. شاید یکی از علل تعلل او اهمیت دفاعی منطقه بود. شوکت‌الملک دوم در این زمینه به اقدامات انجام گرفته اشاره کرد که ۳۰ نفر بهلولی را جهت حفظ امنیه و خطوط پستی تحت نظر محمود خان ثموری روانه نمود (همان: ۷۸۰۶/۲۳).

نیروهای انتخابی از سرچاه هر یک مشکلات خاص خود را داشتند. محمدحسن ولد رضاقلی شتر نداشت و مدعی بود قدرت خرید شتر هم ندارد. حاکم قاینات برای رفع این مشکل تأکید کرد تحقیق شود اگر واقعاً قدرت خرید شتر را ندارد اهالی قیمت شترش را بدهند. این مکاتبات شیوه همکاری اهالی با یک جمازه را مشخص می‌کند. باید یک چهارم قیمت شتر را اهالی محض همراهی به او می‌دادند و سه چهارم دیگر را اهالی قرض می‌دادند تا موقع دریافت حقوق به تدریج قرض‌هایش را بپردازد (همان: ۷۸۰۶/۴۶). برخلاف تأکید بر تأمین ۲۰ جماز از سرچاه در لیست حقوق امنیه قاینات تنها سه نفر از روستاهای برمنج، علی‌آباد و نصرآباد حضور داشتند. تعداد سرچاهی‌ها تنها یک چهارم برآورد اولیه بود که نشانگر مشکلات تأمین نیرو از اینگونه مناطق بسیار افتاده بود.

ت. جمازه‌های فدشکی

فدشک، یکی دیگر از مناطق بین خور و سرچاه، باید تعدادی جمازه برای امنیه قاینات تأمین می‌کرد. علاوه بر بخشنامه رسمی مذاکره شفاهی بین مصباح‌الدیوان، نایب‌الحکومه قاینات و نایب‌الحکومه فدشک صورت گرفت. فدشک زیرمجموعه خوسف بود و بخشی از مکاتبات از طریق محمدقلی، نایب‌الحکومه خوسف انجام گرفت. نایب‌الحکومه خوسف، برای تأمین نیرو به کدخدایان محلی اخطار داد، ولی آنان پاسخ دادند تمام اهالی قابل خدمت چندی قبل به طرف کرمان رفته‌اند. این مسأله به موقعیت جغرافیایی و نقش شترداران منطقه در حمل و نقل بود. علاوه براین تحرک بلوچ‌ها که غالباً در دهات اطراف خوسف تردد می‌کردند و رعایا را مورد تعدی قرار می‌دادند، مشکل دیگری بود. اگر از فدشک یک عده سوار یا جمازه کافی برای جلوگیری از حملات بلوچ‌ها حاضر نمی‌شد این احتمال وجود داشت در آینده مشکلات بیشتری به وجود آید (همان: ۷۸۰۶/۱۸).

فعالیت اقتصادی یکی دیگر از عوامل موثر بر تأمین جمازه در فدشک بود. قافله فدشکی‌ها از کرمان بازگشت ولی اغلب آنها برای حمل مال‌التجاره عازم بیرجند و مشهد بودند. این در حالی بود که حکومت قاینات به شترداران فدشک احتیاج داشت و به کدخدای فدشک اطلاع داد که از حرکت افراد ممانعت کند و تا انتخاب جمازه، اجازه عزیمت به آنان ندهد. محمدقلی به این طریق ۷ جمازه که در محل حاضر بود، انتخاب و روانه بیرجند کرد (همان: ۷۸۰۶/۲۴).

تأمین شتر یکی دیگر از مشکلات جمازه‌های فدشک بود که تدارک فوری نیرو را غیرممکن می‌کرد. لذا مقرر شد سایر اهالی محل با اشخاص منتخب به عنوان جمازه در خرید شتر کمک کنند و قسمتی از قیمت آن‌را به عنوان قرض بپردازند تا جماز پس از رفع عسرت به تدریج آن‌را بازگرداند (همان). محمدقلی یک روز پس از ارسال جمازه فدشکی به مریضی یکی از منتخبین اشاره کرد. مرتضی قلی بیگ فرزند کربلایی فرج‌الله ساکن مزرعه آرایش زمان اعزام به سختی مریض شد و قادر به حرکت نبود و انتخاب جمازه دیگر از اهالی فدشک به تنهایی ممکن نبود، لذا از مصباح‌دیوان درخواست شد در صورت امکان به حسین‌علی جمازه دستور دهد به جای وی یکی از فدشکی‌هایی که برای حمل مال‌التجاره بدون اجازه عازم بیرجند شده بود و از مردان کاری بود، تعیین نماید (همان: همان).

۷۸۰۶/۲۷).

گل فریز در شرق خوسف یکی دیگر از مناطقی بود که در تأمین نیروی امنیه نقش داشت. برخلاف برخی مناطق که در تأمین نیرو تعلل می کردند اهالی گل وضعیت متفاوتی داشتند و خودشان داوطلب خدمت و مشارکت در تأمین نیرو بودند. ۳ نفر از گلی ها که به تصدیق اهالی لیاقت خدمت داشتند، به عنوان جمازه بدون اجازه محمدرقلی نایب الحکومه خوسف، به بیرجند رفتند و چون تکمیل تعداد مقرر امنیه ممکن نبود محمدرقلی درخواست کرد آنها را هم در لیست قرار دهند (همان: ۷۸۰۶/۲۴).

جمازه های فدشک به بیرجند رسیدند ولی مشکل شتر آنها حل نشد. اشخاصی که وعده کمک به تأمین شتر دادند خیال عزیمت به کرمان را داشتند. حسینعلی جمازه فرستاده شد تا شتر از آنها تهیه کند. یکی از راهکارهای تأمین جمازه، انتخاب فردی دیگر از بین اعضای خانواده تعیین شده بود. امری که از سوی حکومت مورد قبول نبود. براین اساس مختار که به جای برادرش محمدحسن آمده بود، بازگردانده شد و تأکید شد محمدحسن خودش حاضر شود (همان: ۷۸۰۶/۲۸). در لیست نهایی امنیه قاینات در سال ۱۳۳۶ ق. ۱۲۹۷ ش. تنها ۲ نفر از فدشک ثبت شده که خیلی کمتر از فهرست اولیه بود. این تعداد کم مشکلات اقتصادی تأمین جمازه در فدشک را نشان می دهد.

۳. جایگاه طوایف در امنیه قاینات

طوایف علاوه بر جایگاه مهم در ساختار جمعیتی قاینات نقش موثری در زمینه نظامی منطقه داشتند (نجف زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲). در قاینات طوایف متعدد کوچکی زندگی می کردند که از زمان تشکیل امنیه قاینات بخشی از توان نظامی بر عهده آنان گذاشته شد. بسیاری از طوایف قاینات مانند رمضان، دولاکه، بالفروش و برغالکی باید جمازه آماده می کردند و مکاتباتی انجام گرفته با آنها مشکلات هر یک از این طوایف را نشان می دهد. برای طایفه رمضان ۱۰ نفر جمازه در نظر گرفته شده بود (همان: ۷۸۰۶/۱۱)، برای طایفه دولاکه در محدوده زیرکوه مستقر بودند، ۲۰ نفر جمازه در نظر گرفته شد (همان: ۷۸۰۶/۸). طایفه کوچک بالفروش و طایفه بزغالی باید هر یک ۵ نفر جمازه می فرستاد (همان، ۷۸۰۶/۹؛ ۷۸۰۶/۷)، تعیین میزان جمازه ها در طوایف براساس تعداد شترها به نسبت یک دهم بود. براین اساس طایفه نخعی زینلی ساکن در اطراف نهبندان و چاه دراز، طایفه طاهری مستقر در پی جو بستان و مهرآباد، طایفه کوه بارونی و اردونی می توانستند ۴۰ جمازه تأمین کنند: نخعی زینلی ۱۵ جمازه، طایفه اردونی ۱۰ جمازه، کوه بارونی ۵ جمازه و طایفه طاهری ۱۰ جمازه (همان: ۸۹۴۲/۲۱) ولی در عمل این تعداد نیرو در ساختار امنیه قرار نگرفت.

طایفه بزرگ بهلولی برخلاف دیگر طوایف نقش مهمی در نیروی امنیه داشت. در فهرست این طایفه برخلاف نظام قبیله ای و تقسیمات ایلی و ذکر تیره، محل جغرافیایی و سکونتگاه نوشته شده که نشانگر اسکان آنهاست و شامل زردک، کلاته احمد، شیرک، درق، اسکیونیک، دهیک، نره سنگ، دولک و دهنه چاه تیرک می شد (همان: ۷۰۷۶۷/۱). تعدادی نیروهای بهلولی عضو امنیه مژن آباد ۷ نفر جمازه ذکر شده که وضعیت لباس آنان تأسف بار بود (همان: ۴۱۴۶/۱).

۴. امنیه مژن آباد

مژن آباد شمالی ترین منطقه قلمرو حکومت قاینات بود که در تأمین نیروی امنیه نقش داشت. در آنجا قبلاً نیروی امنیه وجود داشت. در فراخوان ۲۱ ربیع الاول ۱۳۳۵ ق. ۲۶ دی ۱۲۹۵ ق. خطاب به باغبان باشی، نایب الحکومه مژن آباد، آمده است برای تشکیل امنیه ۱۲ نفر سوار تهیه کند (همان: ۷۸۰۶/۱۱). میرعلم بیک فرزند میر بهرام بیک فرماندهی سواره نظام امنیه مژن آباد بود. اگرچه گزارشی از مشکلات تأمین نیرو در آنجا به دست نیامد، دریافت حقوق از بیرجند یکی از مشکلات آنان بود. همه آنها نمی توانستند برای دریافت

حقوق محل خدمت خود را ترک کنند. ابتدا باید نصف سواره‌ها برای دریافت حقوق به بیرجند می‌آمدند و بعد از مراجعت گروه دوم در بیرجند حاضر می‌شدند (همان: ۸/۸۸۱۴). پس از طی مراحل اولیه پرداخت حقوق که جهت مشاهده وضعیت ظاهری آنان بود، حقوق مأموران به دفاتر مالیه در نزدیک‌ترین محل خدمت آنها حواله می‌شد. شوکت‌الملک دوم در نامه به اداره مالیه قاینات جهت پرداخت حقوق نیروهای امنیه در ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ق. ۱۴ فروردین ۱۲۹۶ش. به سابقه تشکیل امنیه اشاره کرد و نوشت: «در آخر سال گذشته به واسطه کثرت اختلافات و بی‌انتظامی اداره قشونی و به هم زدن تشکیلات امنیه سابق و انتخاب نفرات جدید ممکن نشد در آخر برج صورت صحیحی تهیه و ارسال شود و اینک صورت حقوق امنیه را ارسال می‌نماید. متمنی است زودتر حقوق امنیه را بپردازند» (همان: ۲۱/۴۲۲۵).

پرداخت حقوق مأموران امنیه مژن‌آباد از نکات قابل تأمل در بین دیگر مناطق است. زیرا در مژن‌آباد دو نیروی سواره و جمازه وجود داشت. در این زمان پیشنهاد شد حقوق سواره‌های مأمور مژن‌آباد را حواله شهر قاین و حقوق جمازه مأمور مژن‌آباد را حواله دفتر در میان کنند (همان). طبق کتابچه حقوق، سواران امنیه مأمور در مژن‌آباد ۱۳ نفر بودند که در برخی ماه‌ها به ۱۶ نفر افزایش می‌یافت. میزان حقوق همه آنها ۱۴۳ تومان بود که هر سوار ۱۱۰ قران دریافت می‌کرد (همان: ۲/۲۷۱۱).

۵. سواران امیرقلی سلطان نیازآبادی

علاوه بر نیروهای امنیه تحت فرماندهی میرعلم بیک گروهی دیگر از سواران نیز به تأمین امنیت مژن‌آباد کمک می‌کردند. این نیروها افراد امیرقلی خان سلطان نیازآبادی بودند. شوکت‌الملک دوم در ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ق. ۱۰ دی ۱۲۹۶ش. به خاطر استقرار امنیت در حدود مژن‌آباد و احتیاج به عده‌ای سوار و کفایت امیرقلی خان از وی خواست با ۵ نفر از بستگانش که جوان و کارآمد باشند، از حدود مژن‌آباد مراقبت کند و اسامی آنها را جزو نیروهای امنیه ثبت نماید (همان: ۵/۹۱۳۵). بکارگیری این افراد باید با هماهنگی فرماندهان محلی انجام می‌شد. امری که برای سواران امیرقلی خان دیرتر انجام گرفت و شروع همکاری آنان را با مشکل مواجه کرد. ۵ نفر سواره امیرقلی خان سلطان نیازآبادی، نزد محمودخان، رئیس امنیه زیرکوه، رفتند و درخواست دستورالعمل کردند تا وظیفه آنان را مشخص و تعیین کند در مژن‌آباد از چه کسی اطاعت کنند. از آنجا که محمود خان از بکارگیری آنان اطلاع نداشت، گزارش این مساله را به حاکم قاینات اطلاع داد. شوکت‌الملک دوم در پاسخ با اشاره به مشکلات گذشته اظهار امیدواری کرد برخلاف گذشته پست آن سرحد را منظم کرده و نگذارند بی‌نظمی روی دهد. سواران امیرقلی خان باید در مژن‌آباد خدمت می‌کردند و دستورالعمل قراول آنها را رئیس امنیه زیرکوه می‌داد (همان: ۴/۸۷۵۰).

احتمالاً یکی از علل بکارگیری نیروهای امیرقلی خان نیازآبادی ناکامی سواران امنیه مژن‌آباد در جلوگیری از خروج گوسفند و روغن از آن منطقه بود که باعث شکایت حاجی عباس بیک ضابط مژن‌آباد شد. به همین جهت حاکم قاینات تصمیم به تغییر محل خدمت سواران امنیه مژن‌آباد گرفت و این تغییر رویکرد را در ۱۵ رجب ۱۳۳۶ق. به رئیس کل امنیه قاینات و سیستان اعلام کرد. قرار بود سواران مژن‌آبادی اداره امنیه عازم جولگاه سنی‌خانه و دروچ شوند و به جای آنها از حاضرین مرکز نیرو فرستاده شوند ولی این جابجایی با تأخیر انجام گرفت که باعث انتقاد شوکت‌الملک دوم شد، زیرا طبق اطلاعات واصله هنوز این سواران در سرحد مشغول قاچاق گوسفند بودند (همان: ۵/۸۷۵۰). برخلاف تصور و برآورد اولیه حاکم قاینات تأمین نیروی امنیه کار از منطقه قاینات ممکن نبود به همین جهت بخش مهمی از نیروی امنیه قاینات از طریق نیروهای بلوچ تأمین شد (تصویر شماره ۱ نقشه پراکندگی جغرافیایی

قاینات).

۶. محمد خان بلوچ براهویی

پس از ناکامی حکومت قاینات در تأمین نیروهای بومی برای امنیت تعدادی از نیروهای براهویی سیستان تحت ریاست محمدخان بلوچ براهویی به استخدام درآمدند. محمدخان ۴ سال در اداره مالیات سیستان خدمت کرده بود و از سال ۱۳۳۵ق. / ۱۲۹۵ش. به عنوان رئیس امنیت بندگان استخدام شد (نجف زاده، ۱۳۸۹: ۳۲۲). او ۳۰ نفر نیروی بلوچ تحت امرش داشت که بیشتر جهت محافظت از راه‌های ارتباطی جنوب قاینات فعالیت می‌کردند. به جز ۴ نفر جمازه که سردار سعید خان با خود به سرچاه برده بود، بقیه نیروها براساس تعداد و محل‌هایی که قراول می‌دادند، بدین شرح تقسیم شده بود: ۱۵ نفر در خواجه دوچاهی، ۳ نفر در کشید، ۳ نفر در کورات و ۵ نفر نیز همراه وی در بندگان مستقر بودند (همان: ۳۲۰). کتابچه حقوق امنیت مأمور بندگان موجب این مأموران را ۱۲۰ تومان (۱۲۰۰ قران) نشان می‌دهد (ساکماق: ۲۷۰۹/۲).

مهمترین مشکل مأموران بلوچ مستقر در بندگان تأخیر در پرداخت حقوق بود. مسأله‌ای که شرایط سخت خدمت در این حوزه را نشان می‌دهد. مشکلی از همان سال اول دامنگیر آنان شد و حتی باعث فرار برخی از آنان گردید. به آنان وجه نقد و گندم داده می‌شد، ولی از ۱۰ خروار گندم حواله شده تنها توانست ۲ خروار در سلم‌آباد تحویل گرفته شد. پیامد این مشکل فرار امنیت‌های بلوچ از گرسنگی بود. به همین جهت نایب آنها پیشنهاد داد جیره گندم را به بندگان و طبسین حواله کنند و حقوقشان را به نه حواله دهند تا رفع گرسنگی شود. وضعیت این مأموران امنیت از لحاظ تجهیزات و لوازم نیز خوب نبود. ۴ نفر شتر متعلق به جمازه‌سواران طی یک ماه مردند و ۳ نفر شتر دیگر در پایین درج مرده بودند. باقی شترها هم در حال مرگ بودند. محمد خان بلوچ قرار بود برای خرید ۲ شتر خوب به سیستان برود (نجف زاده، ۱۳۸۹: ۳۲۰). این شرایط باعث فرار جمازه‌ها از بندگان به سیستان شد (تصویر شماره ۲).

این شرایط سخت خدمت مأموران امنیت بلوچ از سوی معتضدالدوله، رئیس امنیت قاینات و سیستان، مورد تأیید قرار گرفت و با افزایش استعفای نیروهای امنیت بلوچ، محمدخان نیز درخواست استعفا داد (ساکماق: ۸۴۶۳/۴). معتضدالدوله طی نامه‌ای به شوکت‌الملک دوم ضمن اشاره به مکاتبات محمد خان بلوچ درباره آن نوشت: «حقیقتاً هر رئیس در مقابل این نوع کاغذها باید شرمندۀ شود». او پیشنهاد کرد در صورتی که دولت نمی‌تواند حقوق نوکر را مرتب برساند علت ندارد سپاهی لشکر راه انداخته مردم بیچاره را گرفتار و دچار این نوع زحمات نماید» (همان: ۸۴۶۳/۳). شوکت‌الملک دوم در پاسخ به این استعفا اعلام کرد بدون اطلاع و تصویب اداره حکومتی پذیرفتن استعفا مأموران امنیت صحیح نیست و باید ملاحظه ترتیبات اداری را نمود. حاکم قاینات تلاش کرد نیروهای امنیت را البته از راه تهدید با خود همراه کند و از معتضدالدوله خواست به کسانی که استعفا داده‌اند اخطار دهد که دولت حقوق عقب افتاده آنها را پرداخت نخواهد کرد (همان: ۸۴۶۳/۹). تأخیر و تعویق در پرداخت حقوق در آن زمان تنها مربوط به اداره امنیت نبود بلکه شامل ادارات دیگر نیز می‌شد (همان: ۸۴۶۳/۱) که نشان از وضع فلاکت بار مالی بود.

سفر محمد بلوچ خان براهویی به سیستان نیز مورد انتقاد حاکم قاینات و سیستان واقع شد. ولی سفر او به خاطر نرسیدن مواجب و سختی گذران در بندگان بود. اهالی بندگان به او پول قرض ندادند و او برای تأمین مخارج مجبور شد به سیستان سفر کند تا از کسی قرض بگیرد، ولی در سیستان نیز کسی به او قرض نداد و او به اجبار در سیستان ماند. شیرعلیخان، نایب‌الحکومه نه، و رئیس کل امنیت سیستان و قاینات نیز تکلیف او را معین نکردند و او در سیستان پریشان، سرگردان و معطل مانده بود. شوکت‌الملک دوم پس از اطلاع از این شرایط وعده پرداخت حقوق داد (همان: ۸۴۶۳/۱۸).

محمد خان بلوچ طی نامه دیگری در تشریح وضعیت مالی خود و امنیت‌های تابعه‌اش قسم یاد کرد که در مدت یک سال تقریباً

۴۰۰ تومان خرج خود و جمازه‌هایش نمود در حالیکه نه لباس، نه ارزاق و نه اسباب داشتند و ۱۰۰ تومان مقروض شده‌است. وی تقاضای پرداخت ۴ خروار گندم مخارجش را کرد تا شاید بتواند زندگی کند. طبق نوشته او هر جمازه سالانه ۲ خروار گندم به وزن سیستان مخارج داشت ولی در یک سالی که این نیروها وارد امنیه شدند حتی یک حبه گندم نگرفتند و خانواده‌هایشان محتاج یک لقمه نان بودند و حقوقشان ماه به ماه نمی‌رسید که قرض اول را بدهند. تقاضاهای محمد خان بلوچ این بود که حقوق چهار ماهه آنها داده شود و به هر کدام ۱۰۰ من گندم به وزن سیستان و همچنین ملکی داده شود تا مشغول خدمت گردند (نجف زاده، ۱۳۸۹: ۳۲۳). احتمالاً پرداخت‌های دیر هنگام و وعده‌های پرداخت باعث شده نیروهای امنیه تحت امر محمد خان بلوچ دوباره به بندان بازگردند ولی مشکلات مالی آنها همچنان ادامه داشت. نامه و تلگراف‌های زیادی از نه به بیرجند فرستاده می‌شد که نشان می‌داد به خاطر نرسیدن مواجب چهار ماهه نیروی امنیه به سختی روزگار می‌گذرانند. اگرچه یک هفته بعد از طریق نایب‌الحکومه نه به محمد خان بلوچ جواب داده شد که صورت حقوق را ارسال دارد تا حقوق عقب افتاده پرداخته شود (ساکماق: ۴۰۷۷/۱).

با وجود تمام این مشکلات محمد خان بلوچ و جمازه‌هایش همچنان به خوبی مشغول خدمت بود. بطوری که توانستند رضایت رئیس امنیه سیستان و قاینات را جلب کند. در ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۶ق. / ۹ مهر ۱۲۹۷ش. از او تقدیر و درخواست اضافه حقوق و منصب یابوری شد. چون به خوبی از عهده خدمتش برآمده بود (همان: ۸۷۵۰/۲۹). شوکت‌الملک دوم نیز از این پیشنهاد استقبال کرد و حکم ارتقای محمد خان بلوچ براهویی صادر شد (همان: ۸۷۵۰/۳۰).

با این وجود امنیه‌های محمد خان بلوچ باید برای دریافت حقوق عقب افتاده خود ماه‌ها انتظار می‌کشیدند و با ترک محل خدمت به سیستان می‌رفتند. وقتی محمدحسین مفتش امنیه در اوایل سال ۱۳۳۸ق. / ۱۲۹۸ش. به بازدید نیروهای امنیه قاینات رفت درباره محمد خان بلوچ نوشت: با ۱۶ نفر جمعی خود تقریباً سه ماه است به دنبال حقوق خود به سیستان رفته است. این مفتش به طور تلگرافی موضوع را به پیشکار مالیه قاینات و سیستان، اطلاع داد و از وی خواست محمد خان بلوچ را با ۱۶ نفر جمعی‌اش به نهبندان بفرستند ولی با صبرالسلطنه بدون در نظر گرفتن مشکلات مالی، به وسیله پیک پستی جواب داد اینگونه اشخاص به درد امنیه نمی‌خورند (همان: ۸۳۹۱/۲).

۷. سردار سعید خان براهویی

سردار سعید خان براهویی یکی دیگر از نیروهای بلوچ بود که برای نیروی امنیه قاینات همکاری کرد. او در سال ۱۳۳۵ق. / ۱۲۹۵ش. با ۳۹ نفر نیروی تحت امرش محافظت از راه‌های ارتباطی جنوب قاینات را برعهده گرفت. شوکت‌الملک دوم به وی دستور داد از گرماب تا چاه‌روئی در نقاط مختلف زیر قراول بگذارد: گرماب، شورک، انبار عبداللهی، ده سلم، سورما، چاه روئی و چاه داشتی. سردار سعید خان باید هر روز از نقطه‌ای به نقطه دیگر حرکت می‌کرد و اگر اتفاقی می‌افتاد به محمود خان ثموری، رئیس امنیه سرچاه، خبر می‌داد تا از آنجا برایش کمک بفرستد. به محمود خان ثموری نیز دستورالعملی داده شده بود در هر ماه از سرچاه حرکت و از گرماب تا چاه‌روئی را گردش کند و افراد امنیه را سان ببیند و حضور و غیاب آنها را معین نماید (نجف زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۹).

فعالیت سردار سعیدخان در محدوده ریاست امنیه بندان قرار داشت. به همین جهت محمد خان بلوچ براهویی نیز گزارش‌هایی از فعالیت او ارائه داده‌است. گزارش‌های محمودخان ثموری، رئیس امنیه سرچاه، نشان می‌دهد افراد سردار سعیدخان براهویی چندان مایل به خدمت نبودند. طبق گزارش ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۵ق. / ۱۵ اسفند ۱۲۹۵ش. جمازه‌های سردار سعیدخان در سرچاه هنگام

سان ۸ نفر کم بودند و وی عوض آنها از اهالی ده سلم جذب کرد. ۸ جمازه فراری ۴ قبضه تفنگ را نیز با خود برده بودند. این اقدام باعث انتقادهایی از سوی نیروهای محلی شد. داوطلبان محلی استخدام امنیه سرچاه معتقد بودند جمازه‌های بلوچ به درد استخدام نمی‌خورند ولی رؤسای امنیه از اهالی ده سلم که ۲۰ نفر جوان خوب و کارکن آماده خدمت داشتند، نیز استخدام نمی‌کردند (همان: ۳۲۲). گزارش فرار جمازه‌های تحت امر سردار سعیدخان واکنش مصباح دیوان، نایب‌الحکومه قاینات، را به دنبال داشت. بطوری که دستور داد به سردار سعیدخان اکیداً اخطار شود فراریان را با اسلحه‌هایشان حاضر نماید (همان). فعالیت سردار سعیدخان براهویی با وجود چنین چالش‌هایی در قالب نیروهای امنیه در سال‌های بعد ادامه یافت. لیست حقوق‌ها تعداد آنها را ۲۳ نفر جمازه و امنیه نشان می‌دهد که ماهیانه ۱۸۵ تومان حقوق می‌گرفتند (ساکماق: ۸۴۶۳/۱۰).

۸. ساختار و ترکیب امنیه قاینات

حکومت قاینات پس از فراخوان با اقتدار و خشونت، نایب‌الحکومه‌ها و کدخدایان را مجبور به تبعیت از احکام صادره می‌کرد ولی توان و ظرفیت نظامی و قدرت مالی روستائیان و طوایف بسیار کمتر از حد تصور حکومت بود. به همین جهت برخلاف برآورد اولیه که ۱۵۳ نفر برای تشکیل امنیه قاینات در نظر گرفته شد اعضای آن از ۷۷ نفر فراتر نرفت و از بین طوایف تنها طایفه بهلولی تعدادی نیرو فرستاد. بقیه نیروهای امنیه قاینات از روستاهای پراکنده جمع‌آوری شدند و حکومت قاینات مجبور شد از مژن‌آبادی‌ها و بلوچ‌ها استفاده کند.

در لیست ۶۸ نفر امنیه تعداد ۳۸ نفر از آنان جمازه بودند (همان: ۹۴۴۲/۱۸) که بیشتر از مناطق حاشیه کویری و طوایف جذب شدند. علت توجه بیشتر به جمازه‌ها این بود که بخش وسیعی از منطقه قاینات و سیستان کویری بود و استعداد طبیعی پرورش شتر را داشت. شتر بهترین وسیله حمل و نقل در آنجا به حساب می‌آمد (آذری خاکستر، ۱۳۹۲: ۱۱۷). عامل دوم را می‌توان در هزینه کم جمازه‌ها نسبت به سواره‌ها دانست. هر اسب در قاینات ماهیانه ۸ قران هزینه داشت. در حالیکه این هزینه برای جمازه‌ها کمتر بود. تجربه‌ای که حاکم قاینات پس از تشکیل قشون در سال ۱۳۳۲ق. به دست آورد و در مشاوره با صاحب‌منصبان نظامی و رئیس مالیه مطرح کرد. انتقال این تجربه به وزارت جنگ باعث کاهش سواره‌ها و افزایش جمازه‌ها در امنیه قاینات شد. حقوق هر ۳ جمازه تقریباً برابر با حقوق ۲ سوار بود. هر سوار در سال ۱۳۳۶ق. ۱۲۹۷ش. ۱۱۰ قران دریافت می‌کرد در حالیکه هر جمازه تنها ۷۰ قران می‌گرفت (ساکماق: ۹۴۴۲/۱۸). علاوه بر این در منطقه کویری قاینات و سیستان استفاده از سوار ممکن نبود و برای طی مسافت در کویر جمازه فواید بیشتری داشت.

فهرست نهایی حقوق بگیران امنیه قاینات نشان می‌دهد اعضای آن شامل ۱۶ نفر از طایفه بهلولی، ۱۳ نفر از نه، ۱۲ نفر از مژن‌آباد، ۸ نفر از گزیک، ۵ نفر از خوف، ۳ نفر از بهلجرد، ۳ نفر از فدشک، ۳ نفر از سرچاه، ۲ نفر از تهران، ۲ نفر از بیرجند، ۱ نفر از برمنج، ۱ نفر از نصرآباد، ۱ نفر از علی‌آباد، ۱ نفر از افکشت، ۱ نفر از بیهود، ۱ نفر از نوکند، ۱ نفر از درمیان، ۱ نفر از هندوالان، ۱ نفر از فیض‌آباد و ۱ نفر از نوقاب بوده‌است (ساکماق، ۱۶-۹۴۴۲/۱۴). تطبیق فهرست نهایی اعضای امنیه قاینات با مکاتباتی که شوکت-الملک دوم با طوایف و شترداران مناطق مختلف قاینات انجام داد، نشان می‌دهد او در بهره‌گیری از نیروهای عشایری و طوایفی ناکام بوده‌است و تنها طایفه‌ای که نقش مؤثری در امینه قاینات داشته بهلولی‌ها بودند. بقیه طوایف کوچک به علل ناتوانی در تأمین نیرو، سواره و جمازه نیرویی در ترکیب امنیه قاینات قرار نگرفتند. به همین جهت حکومت محلی قاینات به استخدام روستائیان و ساکنین مژن‌آباد و بلوچ‌ها رو آورد.

ساختار قدرت در امنیه قاینات متناسب با نیروهای استخدامی و حوزه فعالیت آنها بود. رؤسای امنیه خاستگاه غیربومی و تهرانی داشتند. شاهزاده معتضدالدوله رئیس و عبدالله خان پسر دکتر محمودخان کسروی معاون وی بود. ۱ نایب به نام عطاءالله خان پسر محمد حسین خان از نوقاب، ۱ نفر محاسب، ۳ وکیل به نام‌های میرحسین پسر میرزا بهلولی، میرعلم پسر میر بهرام مژن آبادی، جعفرقلی پسر آقا حسن خوافی از مسئولان محلی بودند. انتخاب وکیل‌ها مرتبط با خاستگاه نیروها بود. یک وکیل فرمانده بهلولی‌ها، یک وکیل فرمانده مژن‌آبادی‌ها و یک وکیل از خواف بود. البته نیروهای بلوچ نیز فرماندهانی از خودشان داشتند.

حقوق اعضای امنیه نیز متناسب با درجه‌ها و نوع نیروها متفاوت بود. کل حقوق امنیه قاینات در ماه ۷۹۰۰ قران برابر با ۷۹۰ تومان بود. از این مبلغ رئیس نظمیه با دریافت ماهیانه ۱۰۰۰ قران نزدیک به یک هشتم کل حقوق را دریافت می‌کرد که ۱۴ برابر حقوق یک جماز و ۹ برابر حقوق یک سواره بود. پس از رئیس، معاونش با دریافت ۲۵۰ قران یک چهارم رئیس حقوق می‌گرفت. نایب و محاسب هر کدام ۱۵۰ قران دریافت می‌کردند. وکیل سوارها ۱۳۰ قران و سواره‌ها ۱۱۰ قران حقوق می‌گرفتند. پس از آنها وکیل جمازه‌ها ۹۰ قران و هر جمازه با ۷۰ قران پایین‌ترین حقوق را داشتند. ترکیب نیروها شامل جمازه‌ها و سواره بودند. غیر از ۴ نفر از مسئولان درجه اول بقیه جمازه و سواره بود. ۴۴ نفر جماز و ۲۹ نفر سوار اعضای اجرائی امنیه بودند (ساکماق، ۱۶-۹۴۴۲/۱۴) (تصویر شماره ۳).

۹. سایر مشکلات امنیه قاینات

علاوه بر اینکه مشکلات تأمین نیرو که در بدو تشکیل نیروی امنیه قاینات پیش آمد و جزئیات زیادی از آن ارائه شد، مشکلات پرداخت حقوق باعث ناتوانی و ضعف امنیه و تداوم فعالیت آنان می‌شد. پس از تأسیس این نیروی مشکلات دیگری نیز بروز کرد.

الف. عدم همکاری مأموران امنیه با سایر ادارات

عدم همکاری مأموران امنیه با سایر ادارات یکی از مشکلات بود. رضا مفتش تحدید تریاک در نامه ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ ق. / ۱ بهمن ۱۲۹۶ ش. به ریاست اداره تحدید تریاک قاینات نوشت غوث‌الدین و اعظم سواران اداره امنیه شش من تریاک از افغان‌ها قاچاق گرفته‌اند. اگرچه دو نفر برای تحقیق و حاضر کردن سواران امنیه اعزام شدند ولی گزارش دادند اعظم به طرف بیرجند حرکت کرده و غوث‌الدین را هم عبدالله خان سرکرده امنیه مانع شده و از دستگیری او جلوگیری کرده‌است. در این صورت ابداً کار اداره تحدید پیشرفت نداشت. او تأکید کرد اگر دفتر در میان ملاحظه نمائید معلوم خواهد شد که دفعه اول نیست که سواران اداره امنیه اینگونه حرکات خلاف قانون مرتکب می‌شوند (همان: ۷۱۲۲۸/۱).

ب. اخذ رشوه از مردم

اخذ وجه یا رشوه از مردم یکی دیگر از معایب نیروی‌های امنیه بود. گزارش‌های متعددی از این‌گونه اعمال به بیرجند رسید. جمازه امنیه در محدوده زیرکوه از هر شتری یک قران حق عبور راهداری یا بهانه دیگری می‌گرفت. امری که با واکنش جدی شوکت‌الملک دوم مواجه شد و در ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۵ ق. / ۱۵ بهمن ۱۲۹۵ ش. به محمودخان ثموری اخطار داد از این تاریخ به بعد اگر معلوم شود جمازه امنیه یک دینار به این عناوین از کس گرفته، شما مسئول خواهید بود و مرتکب نیز مستوجب تنبیه سخت خواهد شد (همان: ۷۱۷۷۲/۱).

پ. دریافت سورات از مردم

عریضه‌ای از رعایای بسکاباد در نیمبلوک مورخ ۸ اسفند ۱۲۹۶ ش. / ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ ق. نشان می‌دهد همه روزه سه سوار

از رئیس مالیه، سه سوار از رئیس تحدید، سه سوار از رئیس سوار دولتی سورات جمازه‌ها از جمله کاه، جو و گندم از رعایا می‌گرفتند (همان: ۸۲۸۳/۱). امری که با مخالفت حاکم قاینات مواجه شد و ضمن دستور به فرماندهان آنان، یکی از راهکارهای مقابله با اینگونه اقدامات مأموران دولتی را کسر از حقوق آنان بیان کرد و در جواب رعایای بسکاباد اعلام کرد صورت آنچه جمازه امنیه از شما جنس گرفته و پول نداده‌اند به نایب‌الحکومه خود بدهید تا در موقع پرداخت حقوق آنان کسر شود. چون کلیه مستخدمین دولتی حقوق معین داشتند و کسی حق نداشت حبه و دیناری به هیچ اسم و رسمی بدون قیمت دریافت کند (همان: ۸۶۸۲/۲). حکومت قاینات پس از شکایات رعایا درصدد برآمد از اخاذی مأموران نظامی و امنیه در تمام نقاط قاینات جلوگیری کند. به همین جهت اعلامیه‌ای در ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۵ق. / ۱۷ اسفند ۱۲۹۵ش. خطاب به اهالی قراء بمرو، شاهرخت، آبیز، اردوکول، محمدآباد، اسفاد، فندخت، بهن‌آباد، آهنگران، سیچ، رزق، سورند، مهرک و سایر نقاط صادر کرد و ممنوعیت دریافت آذوقه از اهالی را اعلام کرد (همان: ۸۱۱۹/۱). اسامی مناطق فوق نشان می‌دهد این رویه بیشتر در منطقه زیرکوه و شمال قاینات گزارش شده است.

نتیجه

حکومت محلی قاینات برای تأمین امنیت قلمروش از خوف تا سیستان در سال ۱۳۳۵ق. / ۱۲۹۵ش. درصدد تشکیل نیروی امنیه برآمد برای فراخوانی از طوایف و روستاهای مختلف داد و سهمیه هر منطقه را با توجه به تعداد جمعیت و توان نظامی آنان مشخص کرد، اما بسیاری از طوایف و روستاها به خاطر ضعف مالی و کمبود شتر ناتوان از تأمین آن بودند. براساس تجربه و کارایی برخلاف نظمی در امنیه از نیروی پیاده استفاده نشد، زیرا حوزه فعالیت امنیه گستره وسیع جغرافیایی بود. شمالی‌ترین قسمت حوزه قاینات تا مژن‌آباد و خوف و جنوبی‌ترین قسمت تا بندان و کویر لوت امتداد می‌یافت که راه‌های بیابانی و کوهستانی بسیاری داشت. مناطق شرق و شمال قاینات که متناسب با اسب بود، باید سوار تدارک می‌دیدند و مناطق جنوب و غرب قاینات که کویری و محل پرورش شتر بود، باید جمازه آماده می‌کردند. براساس این تقسیم‌بندی مناطقی نظیر درمیان، دروخ و مژن‌آباد باید اسب سوار تهیه می‌کردند و طوایف بهلولی، دلاکه، بزغالکی، بالفروش و روستاهای نه، سرچاه، فدشک و خور که عموماً در جنوب قاینات و حاشیه کویر بودند، باید جمازه یا شتر می‌فرستادند. ولی در عمل بسیاری از طوایف و روستاها نظیر خور، فدشک، نه‌بندان، و سرچاه نتوانستند سهمیه نیروهایشان را تأمین کنند و برخی از منتخبین نیز قابلیت نظامی نداشتند. از این‌رو حکومت قاینات در شمال قاینات بیشتر از نیروهای بهلولی و نیروهای تحت امر سلطان‌قلی نیازآبادی و در جنوب قاینات بیشتر از بلوچ‌های براهویی تحت امر محمدخان بلوچ و سردار سعیدخان بلوچ استفاده کرد. بقیه روستاها نیز به صورت پراکنده نیروهایی در اختیار امنیه قرار دادند.

مشکلات مالی و تأمین حقوق امنیه یکی از مهمترین چالش‌ها بود. در شمال قاینات مکان پرداخت و حواله حقوق و سوءاستفاده امنیه از موقعیت در اخاذی از اهالی و نقش در قاچاق مشهود بود و در جنوب قاینات تبعیض در حقوق قشون و امنیه و تاخیرهای چندماهه فعالیت امنیه را با مشکل مواجه کرد. چون آن منطقه از لحاظ مالی وابسته به اداره مالیه سیستان بودند و حاکم قاینات و رئیس امنیه قاینات و سیستان بطور غیرمستقیم بر آنها نظارت می‌کردند، این مساله مشهودتر بود. با این مشکلات نیروی امنیه قاینات که مقارن با جنگ جهانی اول شکل گرفت بیشتر درگیر مشکلات داخلی خود بود که کارایی آن را کاهش می‌داد.

منابع

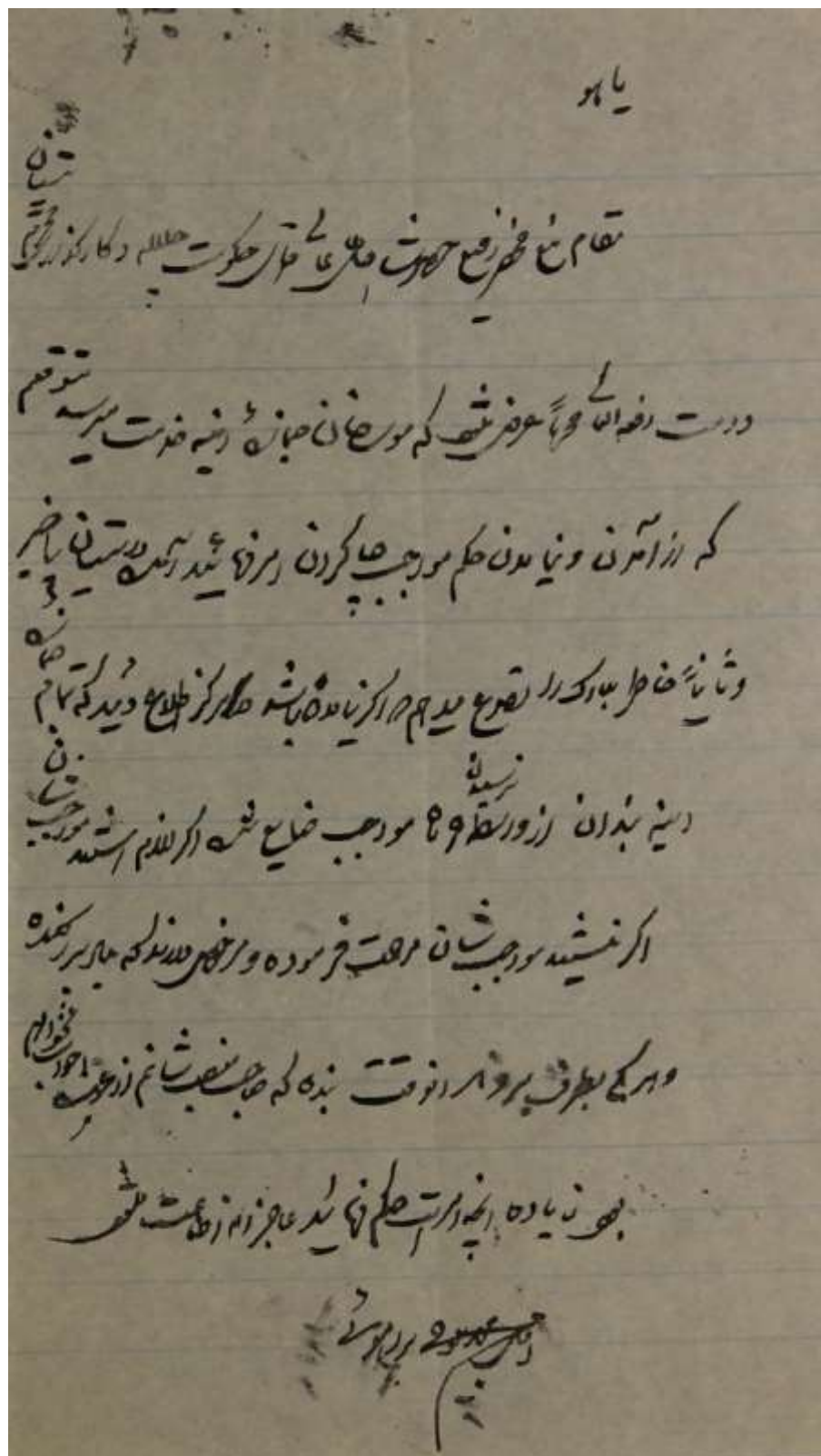
- ساکماق (مرکز اسناد آستان قدس): سندهای ۲۷۰۶، ۲۷۰۹، ۲۷۱۱، ۴۰۷۷، ۴۱۴۶، ۴۲۲۵، ۴۲۷۰، ۴۲۷۰، ۷۸۰۸، ۷۸۰۶، ۸۰۶۷، ۸۱۱۹، ۸۲۸۳، ۸۳۹۱، ۸۴۶۳، ۸۶۸۲، ۸۷۵۰، ۸۸۱۴، ۸۹۴۲، ۹۱۳۵، ۹۴۳۸، ۹۴۴۲، ۷۰۷۶۷، ۷۰۷۹۹، ۷۱۲۲۸، ۷۱۷۷۲.
- آذری خاکستر، غلامرضا (۱۳۹۲). «جمازه‌سوار قاینی»، پیام بهارستان، دوره ۲، سال پنجم، شماره ۲۱، پاییز، ۱۳۱-۱۱۰.

- خانی‌زاده، مهدی (۱۳۸۸). «فوج پیاده نظام قاینات در سال ۱۲۸۲ هجری قمری»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان، ۲۴-۴۳.
 - شاهدهی، مظفر (۱۳۷۷). *زندگانی سیاسی خاندان علم*، تهران: موسسه تاریخ معاصر ایران.
 - عزیززاده بیرجندی، زهرا و ملک زاده، الهام (۱۳۹۲). *نظم و امنیت در خراسان جنوبی برپایه گزارش‌های نظمیه در سده‌ی اخیر*، تهران: فکر بکر.
 - نجف‌زاده، علی (۱۳۹۰). «نقش و جایگاه طوایف در ساختار نظامی قاینات در دوره قاجار»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، سال ۶، شماره ۱، ۱۶۷-۱۴۴.
 - نجف‌زاده علی (۱۳۸۵). «قتل میرزا ابراهیم خان رئیس اداره مالیه بیرجند به روایت اسناد»، *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، شماره ۱، ۱۰۹-۱۰۱.
 - نجف زاده، علی و الهی‌زاده، محمدحسن (۱۳۹۳). *تاریخ نظمیه بیرجند در دوره قاجار*، بیرجند: چهار درخت.
- روزنامه‌ها**
- عصر جدید، شماره ۷۷، سال دوم، ۵ شنبه، ۳ جمادی الثانی، ۱۳۳۴ ق.
 - فکر آزاد، شماره ۱۳، سال اول.



نقشه پراکندگی خاستگاه و محل خدمت نیروهای امنیه قایمات در اواخر دوره قاجار
تهیه نقشه: نگارنده و طراحی ریحانه درکی

تصویر شماره ۱ نقشه پراکندگی خاستگاه نیروهای امنیه قایمات



تصویر شماره ۲ نامه محمد خان براهویی درباره تاخیر در پرداخت حقوق امنیه بندگان (ساکماق، ۸۴۶۳/۲۰)

ردیف	نام	نام پدر	مهر	درجه و رتبه	میزان حقوق	مهر انعام	تاریخ
۱	مفتی المیرزا	مفتی المیرزا	علیرضا	ایر	۱۰۰۰		
۲	میرزا محمد	میرزا محمد	میرزا	میرزا	۲۵۰		
۳	آقای میرزا	آقای میرزا	میرزا	میرزا	۱۵۰		
۴	علی المیرزا	علی المیرزا	میرزا	میرزا	۱۵۰		
۵	مفتی میرزا	مفتی میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۶	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۷	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۸	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۹	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۰	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۱	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۲	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۳	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۴	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۵	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۶	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۷	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۸	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۱۹	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۲۰	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۲۱	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۲۰		
۲۲	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۲۳	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۲۴	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۲۵	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		
۲۶	میرزا	میرزا	میرزا	میرزا	۱۱۰		

تصویر شماره ۳ فهرستی از نیروهای امنیه قایمات (ساکماق، ۹۴۴۲/۲۷)